

# **A Comparative Study of Ethical Propositions Related to Marriage, Family and Divorce in the Quran and the Bible<sup>1</sup>**

**Pari Firuzfard** \*

**Seyyed Ahmad Miriyan Akandi** \*\*

(Received: 2020-08-24; Accepted: 2020-12-17)

## **Abstract**

Ethical propositions have long occupied the minds of religious thinkers as to what similarities and differences exist in the sacred texts so that their potential can be used to establish interfaith relations. This led to the theoretical aspect of some ethical propositions and various comments in this area. This article examines the moral propositions in relation to marriage, family, and divorce from the perspectives of Islam, Christianity, and Judaism. The most important achievement of this comparative study is that the only way to meet sexual and emotional needs is marriage and family formation, with the fundamental difference that the Quran condemns monasticism and celibacy as grounds for sin, and considers marriage as a factor of divine development and closeness to God. While marriage is considered sacred in the Torah and the Bible, the Bible prefers celibacy. Divorce is also considered rejected among all divine religions and there is a difference only in the implementation of some of its rules.

**Keywords:** Quran, Bible, Marriage, Family, Divorce.

---

1. This article is taken from: Pari Firuzfard, "Application of Ethical Teachings in the Social Field from the Perspective of the Quran and the Bible", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Seyyed Ahmad Miriyan Akandi, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

\* PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Department of Theology, Islamic Azad University, Gorgan, Iran, pary274 2008@yahoo.com.

\*\* Assistant Professor, Department of Theology, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author), ahmad.miriyan@yahoo.com.

# پژوهش‌های ادیبانی

«مقاله پژوهشی»

سال نهم، شماره هجدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۴۱-۵۷

## بررسی مقایسه‌ای گزاره‌های اخلاقی مرتبط با ازدواج، خانواده و طلاق در قرآن و عهدین<sup>۱</sup>

پری فیروزفرد\*

سید احمد میریان آکندی\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷]

### چکیده

گزاره‌های اخلاقی از دیرباز ذهن اندیشمندان دینی را متوجه این مطلب کرد که چه اشتراک و افتراقی در متون مقدس وجود دارد تا بتوان از ظرفیت آن در جهت برقراری روابط بین‌الادیبانی استفاده کرد. این مسئله باعث شد تا برخی گزاره‌های اخلاقی جنبه نظری پیدا کند و اظهارنظرهای گوناگون در این حوزه مطرح شود. در نوشتار پیش رو گزاره‌های اخلاقی مربوط به «ازدواج، خانواده و طلاق» از دیدگاه اسلام، مسیحیت و یهودیت بررسی شده است. مهم‌ترین دستاورد این مقایسه این است که تنها راه دستیابی به رفع نیازهای جنسی و عاطفی، ازدواج و تشکیل خانواده است، با این تفاوت اساسی که قرآن، رهبانیت و تجرد را مذموم و زمینه‌ساز گناه شمرده، و ازدواج را عامل تکامل و تقرب الهی می‌داند. در حالی که در کتب مقدس تورات و انجیل ازدواج مقدس شمرده شده، ولی انجیل تجرد را پسندیده‌تر قلمداد می‌کند. طلاق نیز بین تمام شرایع آسمانی مبعوض محسوب شده و فقط در اجرای برخی از احکام آن تفاوت دیده می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، عهدین، ازدواج، خانواده، طلاق.

۱. برگرفته از: پری فیروزفرد، تطبیق آموزه‌های اخلاقی در حوزه اجتماعی از منظر قرآن و عهدین، رساله دکتری، استاد

راهنما: سید احمد میریان آکندی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران، ۱۳۹۹.

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الاهیات، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

pary2742008@yahoo.com

\*\* استادیار گروه الاهیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ایران (نویسنده مسئول)

mahmad.miriyani@yahoo.com

## طرح مسئله

در باب اختلافات یا اشتراکات ادیان دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، مثلاً مطهری معتقد است «راه انبیا یکی است، هر چند هر کدام در زمانی مبعوث شدند که باید انحراف زمان خویش را اصلاح می‌کردند» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۳۱/۶). در سخنی از عیسی مسیح (علیه السلام) نیز آمده است: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم، نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه (آمده‌ام) تا تمام کنم. به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل شود همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود» (متی، ۵: ۱۹). در قرآن نیز چنین مضمونی دیده می‌شود، به طوری که قرآن در مقام منازعه با سایر کتب آسمانی نیامده و آیاتش را در ادامه وحی الهی و در راستای تأیید کتب پیشین و یقیناً حافظ و متمم آنها می‌داند (مائده: ۴۸). قرآن اصول اخلاقی ثابت کتاب‌های پیشین را حفظ کرده و جزئیاتی را منسوخ یا تکمیل کرده و هدفش تکامل فضیلت‌های اخلاقی بوده است، همان‌طور که پیامبر (ص) فرمود: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (الحر العاملی، ۱۴۱۴: ۱۷۴/۱۲).

افزون بر دردها و دغدغه‌های مشترک میان ادیان، ادیان الهی گزاره‌های اخلاقی مشترکی دارند که آنها را به هم نزدیک می‌کند و در زدودن رذایل اخلاقی و جوه مشترک بسیار دارند. مصادیقی همچون ازدواج، خانواده و طلاق از جمله اموری است که با تفاوت‌های جزئی از جوه مشترک اخلاقی ادیان به شمار می‌رود و بر همه افراد مؤمن اثرگذار است. گزاره‌های مذکور که به پیروان ادیان منتقل می‌شود، بیانگر این است که نه تنها معنویت و اخلاق در ادیان نهادینه شده، بلکه دین یکی از راه‌های نجات بشر در طول تاریخ و دوران معاصر است و پل ارتباطی بین دنیا و آخرت محسوب می‌شود.

نوشتار حاضر در صدد است با مراجعه به کتب ادیان آسمانی، همچون قرآن، انجیل و تورات، موضوعات مزبور را بررسی کند تا جایگاه ازدواج، خانواده و طلاق به عنوان موضوعی برجسته در مسیر همبستگی و تقریب بین‌الادیانی به کار گرفته شود. در این نوشتار با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای، هر یک از گزاره‌های اخلاقی مربوط به ازدواج، خانواده و طلاق را در شرایع آسمانی مقایسه می‌کنیم. مهم‌ترین پرسش‌های این تحقیق چنین است:

۱. آیا قرآن و عهدین با هدفی خاص به مقوله ازدواج روی می‌آورند و هدف مخصوص خویش را تعقیب می‌کنند یا اهداف یکسان و مشترک دارند؟

۲. قرآن و عهدین چه نگاهی به مسئله خانواده دارند؟ تفاوت اسلام، مسیحیت و یهودیت در مسئله مذکور با یکدیگر چیست؟

۳. نگاه قرآن، انجیل و تورات به موضوع طلاق چیست؟ و تفاوت دیدگاه در سه دین مزبور در کجا است؟

### قرآن و عهدین

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است که آن را وحی نامۀ اعجاز‌آمیز الاهی می‌دانند. مسلمانان معتقدند تمام الفاظ قرآن به زبان عربی است که عین آن الفاظ توسط جبرئیل، فرشته امین وحی، از جانب خداوند و از لوح محفوظ، بر قلب و زبان پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است. الفاظ قرآن هم به صورت اجمالی و یکباره و هم به صورت تدریجی و تفصیلی در مدت بیست‌وسه سال رسالت ایشان نازل شده است. پیامبر ﷺ نیز قرآن را بر گروهی از اصحاب خود خوانده و کاتبان وحی که صحابه ایشان بودند آن را با نظارت مستقیم و مستمر حضرت علی علیه السلام نگاهشته‌اند (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۶۳).

«عهدین» اصطلاحی است که در باور مسیحیان خداوند دو عهد و پیمان برای نجات انسان با انبیا برقرار کرده است:

۱. عهد قدیم؛ که آغاز این معاهده با حضرت ابراهیم علیه السلام و تجدید آن با موسی علیه السلام و پایان آن با آمدن عیسی علیه السلام رقم خورده است (خروج، ۱۹: ۵).

۲. عهد جدید؛ که خداوند با آمدن عیسی علیه السلام و به صلیب کشیده‌شدنش به ازای کفاره گناهان بشر، عهد دیگر و جدیدی با بشر بست (تی، ۱۳۸۸: ۱۷۳/۱).

فرآیند نام‌گذاری و شکل‌گیری کتب مقدس یهودیت و مسیحیت به «عهدین»، که الهام‌گرفته از مفاهیم الاهیات پولسی است، بیانگر آن است که مسیحیان، نخست متون مقدس خود را «شریعت موسی، پیامبران و مزامیر» (لوقا، ۲۴: ۴۴) و «شریعت و صحف پیامبران» (متی، ۵: ۱۷) می‌نامیدند. آنها در اواخر قرن دوم با فاصله‌گرفتن از یهودیان، نسخه متون مقدس یهودی را که متفاوت با نسخه عبری و به زبان یونانی ترجمه شده بود متن پیشین و اولیه خود شناختند و متن مختص به ایمان مسیحی خود را به متن اولی افزودند. با گذشت حدود دو قرن در قرن چهارم میلادی، متن اولی یهودی خود را «عهد عتیق» و متون ثانوی افزوده‌شده مرتبط با ایمان مسیحی را «عهد جدید» نامیدند. یهودیان در دوره خاخامی، کتاب مقدس خود را ابتدا «میکرا» به معنای متن خوانی و بعدها «تَنخ یا تَناخ» نامیدند.

## ۱. اخلاق و گزاره‌های اخلاقی در قرآن و عهدین

«اخلاق»، جمع «خُلُق» و «خُلُق»، در لغت به معنای عادت، طبع و مروت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۰: ۸۶/۱۰؛ التهانوی، ۱۹۹۶: ۷۶۲/۱) و در اصطلاح عبارت است از «سلسله خصلت‌ها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را به عنوان اصول اخلاقی می‌پذیرد یا به عبارت دیگر قالبی روحی برای انسان که روح انسان در آن کادر و طبق آن طرح و نقشه ساخته می‌شود، به عبارت دیگر، اخلاق چگونگی روح انسان است» (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۵۸). از منظر قرآن، اخلاق مجموعه گزاره‌ها و دستورهای مرتبط با ساحت وجودی انسان است که ابعاد عاطفی، ارادی، معرفتی، فعلی و شخصیتی او را در بر می‌گیرد (سراج‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۶). مطهری نیز نگاه مشابهی را در آثارش منعکس کرده است. از نظر وی، اخلاق امری است که تمامی انسان‌ها به طور فطری و ذاتی با آن آشنا هستند و بدون آن حیات فردی و اجتماعی دچار تزلزل می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۴۸).

در عهد عتیق، تعریف جامعی از اخلاق یهودی نمی‌توان یافت (Singer, 1991: 82) اما چون اساساً جهت‌گیری دین یهود به دنبال به تکامل رساندن انسان در دنیا است، می‌توان ادعان کرد که دین یهود آمیخته با آموزه‌های اخلاقی است که تحت دو منشور اخلاقی مکتوب تبلور یافته است: یکی با نام «هالاخا» (Halakhah) که متضمن قوانین اخلاقی، مدنی و جنایی بوده و دیگری، مجموعه احکامی که به «ده فرمان» شهرت دارد.

نظریه‌پردازانی همچون هیلل (Hillel) و شوبرت سپرو (Shabert) و اسرائیل افروس (Israel Efros) تورات را مجموعه‌ای از مطالبات اخلاقی برآورد کرده‌اند. علاوه بر آن، اندیشمندانی همچون جوزف دن (Joseph Dan) و آیزایا تیشبی (Isaiah Tishby) دسته‌بندی‌هایی را درباره اخلاق در یهودیت مطرح کرده‌اند. اخلاق در عهد عتیق نه تنها اهمیت بسیار دارد، بلکه شامل اخلاق حاخامی (Rabbinic)، اخلاق توراتی (Biblical)، اخلاق قرون وسطایی و مدرن نیز می‌شود، هرچند هیچ‌گونه واژه عبری که به معنای «اخلاق» باشد، در تورات به چشم نمی‌خورد (Singer, 1991: 85). در عهد جدید، اخلاق و اخلاقیات (morality)، یعنی دوست داشتن خدا و دیگران مانند دوست داشتن خود. به عبارت دیگر، اخلاق در مسیحیت یعنی عشق و محبت به خدا و همنوع. از این رو امر اخلاقی به آنچه خدا به آن دستور داده است اطلاق می‌شود. البته در مسیحیت دیدگاه‌های مختلفی درباره اخلاق وجود دارد (مک‌این‌تایر، ۱۳۷۹: ۲۲۴).

گزاره‌های اخلاقی، زیرمجموعه‌ای از گزاره‌های ارزشی هستند که شامل گزاره‌های فقهی، گزاره‌های حقوقی و گزاره‌های دال بر آداب و سنن اجتماعی نیز می‌شود. در این گزاره‌ها از مفاهیم

ارزشی «بایدها و نبایدها، خوب و بد، درست یا نادرست» راجع به افعال انسان استفاده می‌شود (سراج‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۶). در قرآن، تورات و انجیل هر آیه‌ای با هر لفظ یا واژگانی که به دلالت مطابقی یا هر دلالت معتبر دیگر بیانگر یکی از مفاهیم اخلاقی راجع به انسان و ابعاد وجودی او باشد، آن آیه گزاره اخلاقی محسوب می‌شود و آیات موجود در قرآن و عهدین آیات اخلاقی قلمداد خواهد شد.

### ۱.۱. ازدواج

مقوله ازدواج در بین ادیان آسمانی مطلوب دانسته شده و دستور ازدواج در همه ادیان، برای جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی و فردی، جدی و مهم قلمداد شده است. ازدواج نیازهای جنسی، عاطفی، ادامه نسل، امنیت و تعاون را تأمین می‌کند. زیرا نیاز تکوینی مستقیم و غیرمستقیم فرزند، پدر و مادر در کنار هم تأمین می‌شود و زن و شوهر نیاز جنسی و عاطفی خود را به وسیله یکدیگر برطرف می‌کنند. اعضای خانواده علاوه بر همکاری و مشارکت در تأمین نیازهای خارجی و تعاون برای بهره‌مند شدن از نعمت‌ها و اشیای خارجی به هم نیاز مستقیم دارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۵۲/۳).

از دیدگاه قرآن، ازدواج ممدوح است و توصیه شده است که به پیمان‌های ازدواج پای‌بند باشید. لذا آن را مبارک و مستحب مؤکد می‌داند، استحبابی که ممکن است در زمان ضرورت، به وجوب مبدل شود. لذا ازدواج استوارترین بنای دینی و باعث تثبیت دیانت دانسته شده که روابط اجتماعی را بین افراد اصلاح می‌کند. از این‌رو همواره بین اخلاق اسلامی و اخلاق عهدینی نوعی تفاوت و تضاد وجود دارد، به طوری که در گزاره‌های اخلاقی قرآنی، ازدواج باعث کسب درجات معنوی می‌شود و در اخلاق عهدینی، ازدواج لذات دنیوی به همراه دارد.

در عهد عتیق نیز ازدواج، نوعی سنت نیک معرفی شده و به سبب زاد و ولد و مذموم‌بودن تنهایی محل تأکید و تشویق قرار گرفته است: «بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید، شایسته نیست انسان تنها بماند. باید یار مناسبی برای او فراهم گردد» (پیدایش، ۱: ۲۸؛ ۲: ۱۸-۲۴). فرمان ازدواج به یهود برگرفته از حکایت آدم و حوا و ماجرای نوح نبی و فرزندان او است که آیات سفر پیدایش به این ضرورت اشاره دارد و مجرد را به جهات متعدد مذموم دانسته است (پیدایش، ۱: ۷-۹؛ ۱: ۲۲). برقراری زوجیت نزد یهود به قدری مهم است که یهودی‌روی‌گردان از ازدواج و خانواده، به فردی تعبیر شده که موجبات بی‌توجهی خدا به اسرائیل را فراهم کرده که علاوه بر بی‌عنایتی به صورت خدا که در وجود بشر تجلی یافته، به دلیل تمایل نداشتن به ازدواج و جلوگیری از زاد و ولد، فرد مجرد خونریز تلقی شده است (آترمن، ۱۳۸۵: ۲۲۵).

حکایت یعقوب نبی که ۱۴ سال کارگری مشقت‌بار را در قبال وصالِ راحیل تحمل کرد، شاهدی برای اهمیت و قداست ازدواج در عهد عتیق بیان شده است (پیدایش، ۲۲). از سوی دیگر، مستندات موجود در کتاب مقدس بیانگر آن است که برخلاف آنچه در عهد جدید وجود دارد تعدد زوجات و چندهمسری در آیین یهود بی‌اشکال بوده است. داستان ابراهیم (علیه السلام) و همسران وی، ساره و هاجر، حضرت یعقوب (علیه السلام) و همسرانش، لیه و راحیل، و دیگر انبیا مانند داوود و سلیمان از دسته گزارش‌های مسلم عهد عتیق است (تثنیه، ۱۵-۲۱؛ پیدایش، ۱۶: ۲؛ اول پادشاهان، ۱۱: ۳؛ دوم تواریخ، ۱۳: ۲۱). در عهد جدید، اگرچه ازدواج مقدس دانسته شده اما قداستش فی‌نفسه، ذاتی نیست، بلکه صرفاً وسیله‌ای برای دفع شهوت و جلوگیری از معصیت است. از این‌رو، از نگاه اناجیل، قداست ذاتی، از آن‌جا تجرد است، زیرا اگر کسی بتواند شهوت خود را مهار کند و در برابر معصیت سر تعظیم فرود نیاورد، تجرد و دوری از ازدواج ارزشمندتر است. فرد مجرد با کل قوا در تمام طول حیاتش به خدا خدمت می‌کند و با کمک‌کردن، به عیسی (علیه السلام) و مریم (علیها السلام) تشبه می‌یابد (پطرس، ۱۹۸۹: ۳۴۵). عقاید زناشویی مسیحی بر اساس این مفهوم از مسیح (علیه السلام) است که، زن و شوهر را یک تن می‌داند. به عبارتی «دو نصف بشری باید تشکیل یک روح بدهند و این عمل فقط به منظور احساسات جنسی نیست، بلکه باید از هر حیث با هم متفق باشند» (لونیس، ۱۹۵۰: ۳۸). باید توجه داشت که «یکی از اسباب طیبه برای بقا به غیر از ازدواج، اختصاص وقت و آزادی برای خدمت به خدا است. ... چه‌بسا افضل برای برخی این است که ازدواج نکنند» (میدیا، ۱۹۹۵: ۷۶). پولس در این باره مفصل سخن می‌گوید: «کسی که ازدواج می‌کند کار خوبی می‌کند و کسی که ازدواج نمی‌نماید کار بهتری می‌کند» (نامه اول قرنتیان، ۳۸: ۷). آموزه‌های اخلاقی پولس حاکی از این است که زن و شوهر باید وظیفه زناشویی خود را در قبال یکدیگر به جا آورند (اول قرنتیان، ۷: ۳). وی می‌نویسد: «زن بر بدن خود مختار نیست، بلکه شوهرش» (اول قرنتیان، ۷: ۴). علاوه بر این، پولس تعلیم می‌دهد که زن و شوهر هرگز نباید از ارضای نیازهای جنسی یکدیگر سر باز زنند، مگر مدتی به رضای طرفین تا بتوانند وقت خود را به دعا اختصاص دهند (اول قرنتیان، ۷: ۵).

درباره نگاه مسیحیان به ماهیت ازدواج و رابطه زناشویی دو دیدگاه اصلی وجود دارد:

**دیدگاه اول؛** ازدواج یکی از هفت آیین مقدس در مسیحیت کاتولیک به شمار می‌رود. مراسم ازدواج بر اساس مقررات آیین کلیسا انجام شود. از همین‌رو است که کلیسای کاتولیک فقط ازدواج‌هایی را صحیح و معتبر می‌داند که علاوه بر رعایت همه قوانین کلیسایی با حضور کشیش صورت گرفته باشد (Code of Canon Law, 1983: C. 1108 & 1119). آنها حُسنِ فعلی ازدواج را در کنار

حُسن فاعلی‌اش می‌بینند. به عبارت دیگر، آنها عمل را توأم با نیت دنبال می‌کنند، یعنی به اعتقاد مثبتی که درباره ازدواج دارند جامعه عمل می‌پوشانند و ازدواج می‌کنند (مک‌آفی برون، ۱۹۲۰: ۲۸۴). عمل کردن به ازدواج نزد کاتولیک‌ها باعث شده است طیف در خور توجهی از آنها در کنار تعמיד، توبه، عشای ربانی، تثبیت ایمان، اعتراف و تدهین نهایی، ازدواج را به عنوان یکی از شعایر مذهب خود متذکر شوند تا بتوانند علاوه بر تفکیک بینشی خود از پروتستان‌ها (که فقط عشای ربانی و تعמיד را شعار مذهب خود می‌دانند) ازدواج را در جامعه مسیحیان برای خدمت به کلیسا و تشکیل خانواده تبلیغ و ترویج کنند (مولند، ۱۳۸۱: ۳۷). البته باید اشاره کرد که بر اساس قوانین کلیسای کاتولیک، ازدواج کامل و تأییدشده تعמידیافتگان را هیچ قدرت بشری نمی‌تواند لغو کند و فقط مرگ این پیوند را از بین می‌برد (تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳: ۲۳۸۲ ش).

کیفیت رابطه زن و مرد در اندیشه کاتولیک‌ها همانند اکثر مسیحیان است که زن باید تحت تسلط شوهر و اطاعت‌پذیر باشد. آنها به کلام پولس استناد می‌کنند که فلسفه خلقت زن وجود مرد بوده و آفریده‌شدن زن به جهت آفریده‌شدن مرد است (اول قرتیان، ۱۱: ۸-۹). در دیدگاه فوق این باور نهفته است که مرد باید علاوه بر رهبری کردن زن و حفاظت از او، او را نوازش و تربیت کند و در قبال او احساس مسئولیت داشته باشد و همان‌گونه که مسیح (علیه السلام) با خدمات خود به کلیسا محبت کرد، مرد نیز همسرش را از محبت سیراب کند (افسیان، ۵: ۲۵، ۵: ۲۸، ۵: ۲۹؛ ۶: ۴؛ اول تیموتاؤس، ۳: ۴-۵). آنها همچنین به کلام پولس اشاره می‌کنند که به زنان توصیه می‌کند مطیع بی‌چون و چرای همسر خود باشند، زیرا شوهر به مثابه سر زن است، همچنان که مسیح (علیه السلام) به مثابه سر کلیسا است (افسیان، ۵: ۲۲-۲۴).

در حالی که کلیسای کاتولیک ازدواج را پیمانی می‌داند که موجب به هم رسیدن دو همسر می‌شود و به دنبال آن پیوندی جسمی میان آن دو حاصل می‌شود، کلیسای ارتدوکس آن را یکی از خدمات کلیسا می‌داند (مولند، ۱۳۸۱: ۶۱). همچنین، دیدگاه کلیسای کاتولیک با کلیسای ارتدوکس درباره ازدواج مقامات دینی تا حدودی متفاوت است. از نظر کلیسای ارتدوکس، شماس و کشیش اگر قبل از انتصاب، ازدواج کرده باشند می‌توانند به زندگی با همسر خود ادامه دهند اما کسانی که به این مقامات گماشته می‌شوند اگر مجرد باشند دیگر حق ازدواج نخواهند داشت. در این کلیسا، اسقف‌ها همواره باید مجرد باشند و انتصاب افراد متأهل به مقام اسقفی ممنوع است (روستن، ۱۳۷۶: ۸۰). کلیساهای مختلف پروتستان نیز در این زمینه با یکدیگر اختلاف نظر دارند اما در بسیاری از این کلیساهای، منعی برای ازدواج مقامات روحانی وجود ندارد (همان: ۳۰).

دیدگاه دوم؛ نگاه دوم از آن پروتستان‌ها است. آنها به حُسن فاعلی ازدواج (نیت و انگیزه) عنایت و



توجه بیشتری دارند تا حُسنِ فعلی آن که تن‌دادن به ازدواج باشد (مک‌آفی برون، ۱۹۲۰: ۲۸۴). پروتستان‌ها به ازدواج به عنوان پیشنهادی بازدارنده به منظور صیانت فرد در مواجهه با شهوت نگاه می‌کنند. به تعبیر دیگر، ازدواج را بیشتر عملی تشریفاتی می‌دانند تا نسخه‌ای که متضمن سعادت و امنیت فرد و جامعه باشد (مولند، ۱۳۸۱: ۳۷). گروه چشمگیری از مسیحیان در کیفیت نقش زن و مرد در قبال یکدیگر معتقدند اطاعت‌پذیری زن از شوهر مانند اطاعت‌پذیری فرزندان از والدین نیست، بلکه به همان اندازه که مرد از همسرش اطاعت می‌پذیرد زن نیز باید اطاعت بپذیرد و همان مقدار که شوهر محبت می‌کند همان مقدار محبت می‌بیند (افسسیان، ۵: ۲۱؛ اول پطرس، ۳: ۷).

ازدواج مسیحی غیرکاتولیک با مسیحی کاتولیک تأثیر بسزایی در روند روابط زناشویی دارد، زیرا ناهمگونی کیش‌ها تفاهم بیشتری را می‌طلبد تا بتوان به تناسب آن مقدمات درک متقابل را فراهم کرد. در چنین مواقعی که زوجین هم‌کیش و هم‌مذهب نیستند شاید بهترین پیشنهاد شکوفاسازی مشترکات ایمانی و احترام به ویژگی‌های خاص طرفین باشد. کتاب مقدس درباره مرد باایمانی که با زن بی‌ایمان ازدواج کند یا زن باایمانی که با مرد بی‌ایمان ازدواج کند، نقش او را این‌گونه بیان می‌کند که اگر فرد باایمان بتواند موجبات هدایت همسرش را فراهم کند و او را آزادانه به کیش مسیحیت ملتزم کند از بهترین اتفاقات است و این منوط به محبت صادقانه و عمل‌صبورانه زناشویی و مراقبه بر دعا و رفتار متواضعانه است تا همسر خود را برای پذیرش باورهای مسیحی مهیا کند (اول قرتیان، ۷: ۱۶).

## ۲.۱. خانواده

ضرورت تشکیل خانواده در لسان ادیان تشکیل جامعه سالم، بقای نسل و بستر مناسبی برای آرامش روانی ذکر شده است. در مرحله بعد، یکی از دلایل زندگی خانوادگی رسیدن به نیازهای مادی، عاطفی و معنوی اعضا در سایه زندگی خانوادگی است. ارتباط بین والدین و فرزندان و بالعکس از جمله شاخص‌های مهم خانواده است. قرآن کریم در آیات متعددی به فرزندان توصیه فرموده است که به والدینشان نیکی کنند. این مسئله بیانگر آن است که حق پدر و مادر بر فرزند چنان بزرگ است که همسانی در سایر افراد جامعه ندارد: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء: ۳۶). در این آیه و آیات بعد از آن، خداوند صریحاً احسان به والدین را توصیه می‌کند که این هم حاکی از اهمیت والای حقوق والدین بر فرزندان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۷۸/۱۲). در آیه دیگری صراحتاً بر احسان و احترام به والدین تأکید می‌کند: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام: ۱۵۱).

در عهد عتیق رابطه پدر و فرزندی بیشتر به کمال نزدیک است تا روابط بین زن و شوهر. پدر حکم جانشین خدا را بر روی زمین دارد و حفظ حرمت او بر فرزند لازم است. از این رو وظیفه گرامی داشتن والدین با فریضه تکریم به خدای حاضر برابر دانسته شده و این دو وظیفه اغلب در کنار هم آمده است: «هر کدام از شما مادر و پدر خود را احترام نمایید و روزهای سبت (شنبه‌ها و اعیاد مقدّس) مرا نگاه دارید» (سفر لایوان، ۳: ۱۹). در فرمان پنجم از ده فرمان با مقدم داشتن پدر دستور داده است که «پدر و مادر خود را احترام گذار تا آنکه در سرزمینی که یهوه خدایت به تو عطا کرده از زندگانی طولانی برخوردار باشی» (سفر خروج، ۱۳: ۲۰). این وظیفه یکی از فرایضی است که انسان از ثمراتش در این دنیا بهره‌مند می‌شود و اصل سرمایه‌اش در جهان آینده برای وی باقی می‌ماند. برای همین فریضه احترام به والدین بر فرزندان لازم است، چه توانایی مالی داشته باشند و چه نداشته باشند. فقط در یک جا احترام به خداوند مقدم بر احترام به والدین می‌شود و آن زمانی است که پدر یا مادر از فرزند خود بخواهند که از انجام دادن یکی از فرمان‌های الهی سرپیچی کند (کهن، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

در عهد جدید، خانواده مسیحی نشان و پیوند پدر، پسر و روح القدس است. خانواده که تجلی امید، ایمان و محبت است به کلیسای خانگی شهرت یافته است (افسیسیان، ۵: ۶-۲۱؛ کولسیان، ۳: ۱۸-۲۱؛ اول پطرس، ۳: ۱-۷). خانواده مسیحی روزانه دعا و کلام خدا را در محیط خانه زمزمه می‌کنند. گونه‌ای وظیفه تبشیری و تبلیغی به آنها محول شده است، زیرا کانون مسیحیان مکانی تربیتی و آموزشی برای تعلیم چگونگی رفتار با کودکان، پیران، بیماران، فقیران و معلولان و پذیرش مسئولیت در قبال آنها است (یعقوب، ۱: ۲۷).

در خانواده مسیحی هر یک از اعضا تکالیفی دارند؛ از تکالیف فرزندان این است که باور عمیق پیدا کنند که خاستگاه پدری خدا در پدری انسان نهفته است (خروج، ۲۰: ۱۲). احترام فرزندی با حرف شنوی و احترام به پدر محقق می‌شود (امثال، ۶: ۲۰-۲۲). پسر حکیم، تأدیپ پدر خویش را امثال می‌کند و تا زمانی که در منزل پدر و مادر خود زندگی می‌کند باید در برابر تمامی اوامر و نواهی ایشان، که در جهت منفعت او صادر می‌شود، کرنش کند (کولسیان، ۳: ۲۰؛ افسسیان، ۶: ۱). پسر ارشد مسئولیت‌های مجزایی در قبال والدین دارد که در دوران پیری، بیماری، گرفتاری و تنهایی آنان، حمایت‌های مادی و معنوی خود را از ایشان دریغ نکند (مرقس، ۷: ۱۰-۱۲).

تکالیف والدین مسیحی آن است که ابتدا فرزندان خود را فرزندان خدا بخوانند و آنها را که در صورت انسان تجلی یافته‌اند اکرام و احترام کنند. آنها با تقید به اراده پدر آسمانی، شریعت خدا را به فرزندان تعلیم می‌دهند. والدین که نخستین و مهم‌ترین مسئولان تربیتی فرزندان هستند، با تأمین

محیطی آرام به نام خانه، سعی در تربیت و حمایت فرزندان دارند (دوم تیموتاوس، ۱: ۲). بنابراین، می‌توان در لسان ادیان گفت که لازمه تشکیل خانواده ازدواج است، و در خانواده باید تعاون و همکاری در کلیه امور مربوط به حیات، حاکمیت داشته باشد تا بتواند در تربیت نسل موفق باشد.

### ۳. ۱. طلاق

مسئله طلاق در آیات متعددی از قرآن کریم مطرح شده است. در کلیه آیاتی که احکام طلاق را شرح می‌دهد همواره بر رعایت اصول اخلاقی تأکید و راهنمایی شده و از روش‌های مختلف، مسلمانان را از مضرات طلاق بر حذر می‌دارد. قرآن توصیه می‌کند که مبدا برخلاف احکام الهی گام بردارید یا با سوءاستفاده از قوانین الهی به فکر اذیت‌کردن همسران خود باشید» (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۸۸/۳). قرارداد زوجیت از جمله قراردادهایی است که باید قابلیت جدایی هم داشته باشد؛ زیرا علی پیش می‌آید که زندگی مشترک زن و مرد غیرممکن یا طاقت‌فرسا و مملو از فساد می‌شود. بنابراین، «اصل مسئله طلاق یک ضرورت است. از این‌رو اسلام با اصل آن موافقت کرده اما ضرورتی که باید به حداقل تقلیل یابد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۲۵/۲۴). به همین دلیل در احادیث اسلامی طلاق شدیداً نکوهش شده و ناپسندترین حلال‌ها دانسته شده است: «وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يَخْرُبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاقِ» (الحر العاملي، ۱۴۱۴: ۲۶۶/۱۵): «هیچ چیز نزد خدای عزوجل مبعوض‌تر از خانه‌ای که در اسلام با جدایی ویران شود نیست». خداوند در سوره طلاق می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أُمُورًا» (طلاق: ۱). این آیه محدودیت‌هایی را که اسلام در موضوع طلاق وضع کرده است بیان می‌کند تا از نادیده‌گرفتن حقوق و احترام زن جلوگیری شود. بدین ترتیب در دین مبین اسلام طلاق مجاز شمرده شده، اما فی نفسه ناپسند است و اسلام تمام کوشش خود را در جهت پرهیز خانواده‌ها از انجام دادن آن به کار می‌گیرد.

در شریعت موسی (علیه السلام) آیه اول و سوم باب بیست و چهار سفر تشبیه نیز بر این مطلب تأکید دارد که مرد می‌تواند زن خود را به هر دلیل و عقیده جایزی طلاق دهد و علت طلاق می‌تواند خیانت زن باشد. زن می‌تواند بعد از طلاق، به ازدواج مرد دیگری درآید. در شریعت عیسی (علیه السلام) در تعلیل از جواز طلاق می‌فرماید: «به سبب سنگدلی شما بود که موسی (علیه السلام) اجازه داد از زنان خود جدا شوید، لیکن از ابتدای خلقت چنین نبود، اما من به شما می‌گویم هر کس زن خود را به غیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را

نکاح کند، زانی است و هر که زن مطلقه‌ای را نکاح کند، زنا کند» (متی، ۹: ۸-۱۹).  
 از متن مذکور چنین برمی‌آید که طلاق در عهد عتیق شایع و مجاز بود و خواست خدا این بود که از طلاق‌های هوس‌انگیز جلوگیری کند. خدا همچنین می‌خواست تا از حقوق زنی که شوهرش او را رها می‌کرد، حمایت شود. در شریعت موسی گفته شده بود که مرد برای طلاق دادن همسرش، باید دلیل مشخصی داشته باشد، یعنی چیزی ناشایست در زنش بیابد، و در صورت طلاق، طلاق‌نامه‌ای به زنش بدهد (تثیه، ۲۴: ۱-۴). بدین ترتیب پیوند زناشویی به مجرد نیت مرد انفسال‌پذیر است و به اثبات موضوع خاصی نیازمند نیست. ولی امروزه علمای یهود به مردم سفارش می‌کنند فقط به دلایل موجه، مانند نقصان جسمانی یا اخلاقی، همسر خویش را طلاق دهند.

در مسیحیت، ازدواج به معنای محبت خدا به بشر تفسیر شده و مرد و زن با یکدیگر وصلت کرده، رابطه‌ای انفسال‌ناپذیر برقرار می‌کنند (مک‌آبی، ۱۹۲۰: ۲۸۵). فریسیان در زمان عیسی (علیه السلام) این‌گونه تبلیغ می‌کردند که مرد می‌تواند به هر علتی که باشد، زن خود را طلاق دهد (متی، ۱۹: ۳). پاسخ مسیح (علیه السلام) به این سخن این بود که گسیختن رابطه زناشویی که خدا برقرار کرده، عملی نادرست است. از این‌رو فرمود: «پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد» (متی، ۱۹: ۶). حضرت مسیح (علیه السلام) فرمود: «خداوند هرگز با طلاق موافق نیست، اما اگر در شریعت موسی (علیه السلام) طلاق انجام می‌گیرد، علت آن سخت‌دلی یهودیان است که به این امر اجازت داد» (متی، ۱۹: ۸). تمامی مسیحیان با الهام‌گرفتن از ادبیات عهد جدید موجود در انجیل اتفاق نظر دارند که پایان‌دادن به رابطه زناشویی کاری نادرست است، زیرا عیسی (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس زن خود را به غیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زانی است و هر که زن مطلقه‌ای را نکاح کند، زنا کند» (متی ۱۹: ۹؛ متی، ۵: ۳۲؛ لوقا، ۱۶-۱۸؛ مرقس، ۱۰-۱۱). علت موافقت نکردن مسیحیان با طلاق این است که آنها ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمرند. در نتیجه با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالف‌اند (میشل، ۱۳۷۷: ۹۵).

رویکردهای مختلف مسیحیان به مقوله جواز طلاق در سه دسته می‌گنجد:

### الف. طلاق از منظر مسیحیان کاتولیک

لفظ «کاتولیک» را به «جامع» و «شامل» معنا کردند. زیرا کاتولیک در تاریخ طولانی‌اش عناصر مذهبی گوناگونی را که با آنها مواجه شده جذب کرده و آنها را در خود تحلیل برده است (مولند، ۱۳۸۱: ۵۳۰). در بین کاتولیک‌ها زن و شوهر پس از ازدواج به منزله جسم واحدند و به هیچ

وجه جدایی و تعدد زوجات را تجویز نمی‌کنند و آن را از محرمات می‌دانند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۱۱۶). در این فرقه از مسیحیت، طلاق ناپسند و حرام است و در صورت اختلافات شدید بین زوجین طلاق جایز می‌شود. البته طلاق و اعلام آن از وظایف خاص کلیسا است و هیچ یک از مسیحیان کاتولیک بدون دلیل و اجازه کلیسایشان نمی‌توانند عقد ازدواج خود را منحل کنند.

### ب. طلاق از منظر مسیحیان پروتستان

«پروتستان» از ریشه protest به معنای اعتراض صحیح است. مسیحیان پروتستان معتقدند نجات فقط از طریق ایمان به مسیح امکان دارد و حضرت مریم عامل نجات نیست. طلاق به اراده و درخواست زن یا شوهر در چند صورت جایز است: ۱. زنا؛ ۲. ناسازگاری زوجین به طوری که حداقل پنج سال ادامه زندگی برای طرفین مسیر نباشد؛ ۳. ترک خانواده به گونه‌ای که دو تا پنج سال به طول انجامد (شاه‌وردی، ۱۳۷۰: ۱۵۶)؛ ۴. غیبت یکی از زوجین به گونه‌ای که غایب، مفقودالاثرا شود. در این صورت، طرف دیگر می‌تواند تقاضای طلاق کند (همان: ۱۴۵).

### ج. طلاق از منظر مسیحیان ارتدوکس

ارتدوکس یکی از سه شاخه اصلی مسیحیت، و به معنای حافظ قسمت حقیقی کلیسای باستان است. در بین ارتدوکس‌ها اراده زوجین در طلاق نافذ است. بدین معنا که هر یک از طرفین (زن یا شوهر) که زمینه‌ساز علل طلاق شوند این اراده به طرف مقابل تعلق می‌گیرد که اقدام به طلاق کند (همو، ۱۳۷۱: ۸۱). در فرض‌های ذیل، طلاق بین زن و مرد جایز است: ۱. عقیف‌نبودن زن یا شوهر (همان: ۲). ارتکاب عمل زنا از جانب یکی از زوجین (مرقس، ۲-۱۰)؛ ۳. زنا روحانی (منظور این است که یکی از طرفین به حضرت مسیح کفر بورزد و از آیین مسیح بیرون رود) (شاه‌وردی، ۱۳۷۱: ۸۲)؛ ۴. قتل (همان: ۵). وجود عیب در یکی از زوجین (طبق اصل ۲ ماده ۱۷ مصوبه شورای نیقیه) (همان: ۸۳)؛ ۶. زن و شوهر ناسازگار (طبق اصل ۲ ماده ۱۸ سال ۱۹۸۷) اگر بعد از دو سال زن سمج و یک‌دنده و شوهر حرّاف تغییری در رفتارشان حاصل نشود و فرزندی نداشته باشند حاکم حکم طلاق را صادر خواهد کرد. ولی اگر فرزندی بیاورند پس از چهار سال حکم صادر می‌شود؛ ۷. اسارت زن و شوهر (طبق اصل ۲ ماده مصوبه شورای نیقیه، اگر یکی از زوجین به اسارت بروند سه سال صبر کنند، پس از آن اگر مایل بود ازدواج کند) (همان: ۸۴).

## نتیجه

در بین پیروان ادیان راجع به گزاره‌های اخلاقی، اشتراکات و اختلافاتی وجود دارد که برگرفته از کتب منسوب به ادیان است. درباره ازدواج، خانواده و طلاق هم اختلافات و اشتراکاتی است که یا مبتنی بر نص صریح است یا تفسیر متفاوت از منابع موجود در ادیان. بدیهی است که در تمامی ادیان ابراهیمی، ازدواج پیوند مقدسی است، ولی تعبیرشان متفاوت است. از دیدگاه اسلام، ازدواج عامل تقرب الاهی است. اسلام رهبانیت را نزد خداوند منفور و زمینه‌ساز گناه شمرده است. اما در مسیحیت (کلیسای کاتولیک) عزوبت و دوری از ازدواج پسندیده‌تر است. شخص عزب با تمام توان به خدمت خدا نائل می‌شود و با کم‌کردن مشغله‌های زندگی خود را به عیسی (علیه السلام) و مریم (علیها السلام) شبیه می‌کند. یهودیت هم ازدواج را برمی‌گزیند و تجرد را ناپسند می‌داند. در هر یک از کتب مقدس تشکیل خانواده عامل بقای نسل و جامعه سالم و تأمین‌کننده سلامت روانی افراد محسوب شده و از اهداف مشترک ادیان آسمانی است.

در شرایع مقدس اسلام، مسیحیت و یهودیت طلاق مذموم، حرام و مکروه محسوب شده است، با این بیان که در دین اسلام چیزی مبعوض‌تر از طلاق در نزد خدا نیست، و چون ازدواج قراردادی است که بنیادش محبت و علاقه بین طرفین است اگر این محبت و علاقه از بین برود، طلاق مجاز شمرده می‌شود. در انجیل نیز طلاق حرام است و صرفاً در صورتی که زنی به شوهرش خیانت کند، جایز است. در شریعت یهود نیز گرچه طلاق ممنوع نیست ولی بسیار مکروه و ناپسند تلقی شده است. اگر عواملی همچون، تمکین نکردن زن، زنا، زن، عقیم‌بودن زوجه، انجام‌ندادن وظیفه خاص زوجیت از جمله وجوه مشترک صدور حکم طلاق در کتب ادیان دانسته شده از آن رو است که اهمیت سلامت روانی و اخلاقی خانواده و جامعه در نظر گرفته شود.

اشتراکات اخلاقی موجود در قرآن کریم و عهدین نشانگر صدور آموزه‌های اخلاقی آنها از منبعی واحد است. توجه به این مشترکات می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگو و تقریب بین پیروان ادیان آسمانی باشد. از این رو پرداختن به این مشترکات در جهت همدلی و هم‌زبانی می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

## منابع

- قرآن کریم.  
کتاب مقدس، ترجمه انجمن کتاب مقدس.  
آنترم، آلن (۱۳۸۵). باورها و آیین‌های یهودی، ترجمه: رضا فرزین، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم.  
ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۰). لسان العرب، بیروت: دار الفكر، الطبعة الثالثة.  
پطرس، فرماج (۱۹۸۹). ایضاح التعليم المسيحي، مطبعة الاباء المرسلين اليسوعيين.  
تعالیم کلیسای کاتولیک (۱۳۹۳). ترجمه: احمدرضا مفتاح، حسین سلیمانی و حسن قبری، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.  
تنی، مريل سی. (۱۳۸۸). معرفی عهد جدید، ترجمه: ط. میکائیلیان، تهران: نشر ایلام.  
التهانوی، محمد علی (۱۹۹۶). موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، تحقیق: علی دحروج، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، الطبعة الثانية.  
الحر العاملي، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، الطبعة الثانية.  
خرم‌شاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷). دانش نامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران: نشر دوستان، چاپ اول.  
روستن، لنو (۱۳۷۶). فرهنگ تحلیلی مذاهب آمریکایی، ترجمه: محمد بقایی، تهران: حکمت، چاپ اول.  
زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۷۵). مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، تهران: سروش.  
سراج‌زاده، حسن (۱۳۹۶). «گزاره‌های اخلاقی قرآن و چگونگی نظام‌مندسازی آن»، در: پژوهش‌های اخلاقی، ش ۳۵، ص ۴۵-۶۴.  
شاه‌وردی، علی (۱۳۷۰). قواعد متداول و مسلم کلیسای پروتستان، تهران: آریز.  
شاه‌وردی، علی (۱۳۷۱). مجموعه قواعد و عادات متداوله مسیحیان ارتدوکس، تهران: آریز.  
کهن، آبراهام (۱۳۹۰). گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه: امیرفریدون گرگانی، تهران: اساطیر، چاپ اول.  
لونس، ج. س. (۱۹۵۰). اخلاق مسیحی، ترجمه: رضا نامور، تهران: نور جهان، چاپ اول.  
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.  
مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، چاپ اول.  
مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا، چاپ دوم.  
مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). آشنایی با قرآن، تهران: صدرا، چاپ اول.  
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). تفسیر نمونه، قم: ذوی‌القربی، چاپ سوم.  
مک‌آفی برون، رابرت (۱۹۲۰). روح آیین پروتستان، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: نگاه معاصر.  
مک‌این‌تایر، السدر (۱۳۷۹). تاریخچه فلسفه اخلاق، ترجمه: ان‌شاء‌الله رحمتی، تهران: حکمت.  
مولند، اینار (۱۳۸۱). جهان مسیحیت، ترجمه: محمداقرا انصاری و مسیح مهاجری، تهران: امیرکبیر.  
میدیا، ماستر (۱۹۹۵). التفسیر التطبیقی للعهد الجدید، القاهرة: شركة ماستر میدیا، الطبعة الأولى.  
میشل، توماس (۱۳۷۷). کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.  
Code of Canon Law (1983). Translation prepared under the auspices (1983) of the Canon Law Society of America –January 1.  
Singer, Peter (1991). *A Companion to Ethics*, Malden, Massachusetts, First Published.

## References

The Holy Quran.

The Bible, Translated by Bible Society.

Al-Horr al-Ameli, Mohammad ibn al-Hasan. 1993. *Wasael al-Shiah ila Tahsil Masael al-Shariah (The Means of the Shiites to Achieve the Issues of Sharia)*, Qom: Al al-Bayt Institute, Second Edition. [in Arabic]

Al-Tahanowi, Mohammad Ali. 1996. *Mosuah Kashshaf Estelahat al-Fonun wa al-Olum (Glossary of Art and Science)*, Researched by Ali Dahruj, Beirut: Lebanon Publishers Press, Second Edition. [in Arabic]

*Code of Canon Law*. 1983. Translation Prepared under the Auspices of the Canon Law Society of America –January 1.

Cohen, Abraham. 2011. *Ganjineh-yi az Telmud (Everyman's Talmud: The Major Teaching of the Rabbinic Sages)*, Translated by Amir Fereyduun Gorgani, Tehran: Asatir, First Edition. [in Farsi]

Ibn Manzur, Mohammad ibn Mokarram. 1989. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Institute of Thought, Third Edition. [in Arabic]

Khorranshahi, Baha al-Din. 1998. *Daneshnameh Quran wa Quranpajuhi (Encyclopedia of Quran and Quran Research)*, Tehran: Friends Publication, First Edition. [in Farsi]

Louis, Ch. S. 1950. *Akhlagh Masihi (Christian Ethics)*, Translated by Reza Namwar, Tehran: Nur Jahan, First Edition. [in Farsi]

MacIntyre, Alasdair. 2000. *Tarikhcheh Falsafeh Akhlagh (History of Philosophy of Ethics)*, Translated by Enshallah Rahmati, Tehran: Wisdom. [in Farsi]

Makarem Shirazi, Naser. 1997. *Tafsir Nemuneh (The Ideal Commentary)*, Qom: Relatives, Third Edition. [in Farsi]

McAfee Brown, Robert. 1920. *Ruh Ayin Porotestan (The Spirit of Protestantism)*, Translated by Fariborz Majidi, Tehran: Contemporary Look. [in Farsi]

Media, Master. 1995. *Al-Tafsir al-Tatbighi le al-Ahd al-Jadid (Comparative Interpretation for the New Testament)*, Cairo: Master Media Company, First Edition. [in Arabic]

Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 2007. *Akhlagh dar Quran (Ethics in the Quran)*, Qom: Imam Khomeyni Educational and Research Institute. [in Farsi]

Michel, Thomas. 1998. *Kalam Masihi (Christian Theology)*, Translated by Hoseyn



- Tofghi, Qom: Center for the Study and Research of Religions and Denominations. [in Farsi]
- Molland, Einar. 2002. *Jahan Masihiyat (Christendom)*, Translated by Mohammad Bagher Ansari & Masih Mohajeri, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Motahhari, Morteza. 1988. *Talim wa Tarbiyat dar Islam (Training and Education in Islam)*, Tehran: Sadra, First Edition. [in Farsi]
- Motahhari, Morteza. 1991. *Islam wa Moghtaziyat Zaman (Islam and the Requirements of the Time)*, Tehran: Sadra, Second Edition. [in Farsi]
- Motahhari, Morteza. 1998. *Ashnayi ba Quran (Introduction to the Quran)*, Tehran: Sadra, First Edition. [in Farsi]
- Peter, Faramaj. 1989. *Izah al-Talim al-Masihi (Explanation of Christian Education)*, The Jesuit Fathers Press.
- Roston, Leo. 1997. *Farhang Tahlili Mazaheb Amrikayi (Religions of America)*, Translated by Mohammad Baghayi, Tehran: Hekmat, First Edition. [in Farsi]
- Serajzadeh, Hasan. 2017. "Gozareh-hay Akhlaghi Quran wa Chegunegi Nezammand Sazi An (Ethical Propositions of the Quran and How to Systematize It)", in: *Ethical Research*, vol. 35, pp. 45-64. [in Farsi]
- Shahwerdi, Ali. 1991. *Ghawaed Motedawel wa Mosallam Kelisay Porotestan (Common and Definite Rules of the Protestant Church)*, Tehran: Ariyan. [in Farsi]
- Shahwerdi, Ali. 1992. *Majmueh Ghawaed wa Adat Motedaweleh Masihiyat Ortodox (A Set of Common Rules and Customs of Orthodox Christians)*, Tehran: Ariyan. [in Farsi]
- Singer, Peter. 1991. *A Companion to Ethics*, Malden, Massachusetts, First Published.
- Taalim Kelisay Katolik (Teachings of the Catholic Church)*. 2014. Translated by Ahmad Reza Meftah, Hoseyn Soleymani & Hasan Ghanbari, Qom: University of Religions and Denominations. [in Farsi]
- Tony, Meryl C. 2009. *Moarrefi Ahd Jadid (Introducing the New Testament)*, Translated by T. Mikailiyan, Tehran: Ilam Publication. [in Farsi]
- Unterman, Alan. 2006. *Bawar-ha wa Ayin-hay Yahudi (The Jews: Their Religious Beliefs and Practices)*, Translated by Reza Farzin, Qom: University of Religions and Denominations, Second Edition. [in Farsi]
- Zibayinejad, Mohammad Reza. 1996. *Masihiyatshenasi Moghayeseyi (Comparative Study of Christianity)*, Tehran: Soroush. [in Farsi]